



در محضر آیت الله سیدان: تا زمانی که انسان زهد پیدا نکند، مزه‌ی واقعی ایمان را نمی‌چشد

برای رسیدن به زهد انسان باید تفکر کند تا در جهت کمال قرار بگیرد باید از هواها و هوس‌های نفسانی دل کند تا به کمال رسیدن زاهدان کسانی هستند...

برای رسیدن به زهد انسان باید تفکر کند تا در جهت کمال قرار بگیرد باید از هواها و هوس‌های نفسانی دل کند تا به کمال رسیدن زاهدان کسانی هستند که اگر دنیا را به آن‌ها بدهید، به خاطر خود دنیا خشنود نمی‌شوند و اگر دنیا را هم بگیرد، ناراحت نمی‌شوند زهد به هیچ عنوان مانعی در راه پیشرفت جامعه اسلامی نخواهد بود

اتِّمَّا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنَّزَلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ ...، یعنی تمام عالم بی‌ثبات است و وقتی آدم به این عبارات برخورد می‌کند باید درس بگیرد و تکان بخورد.

حضرت آیت‌الله سید جعفر سیدان، با اشاره به زهد و ضرورت وجود آن در انسان؛ تصریح کرد: با توجه به تعبیر مختلفی که از زهد وجود دارد، می‌توان گفت که زهد در معنای واقعی کلمه یعنی بی‌رغبتی، که این معنا در دین اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. زیرا زهد، رغبت نشان ندادن به همه چیزهایی است که ارزش ندارند و زایل هستند و خاصیت عقلانی و وحیانی نسبت به آن‌ها مطرح نیست.

این اندیشمند اسلامی با بیان این‌که آن‌چه اهمیت دارد و در قرآن و حدیث در خصوص آن تأکید شده است، بی‌رغبت بودن در ارتباط با امور است که از ارزش واقعی برخوردار نیستند، گفت: در ارتباط با چیزهایی که از ارزش واقعی برخوردار است، دین بر هر چه بیش‌تر و زیاده‌تر استمرار داشتن نسبت به آن‌ها تأکید دارد و ما باید نسبت به آن‌ها علاقه‌مند بوده و رغبت داشته باشیم. اما رغبت در امور بی‌ارزش و درخواست‌های بی‌خاصیت و غیر مفید و هواهای نفسانی به هیچ عنوان توصیه نشده است.

وی خاطر نشان کرد: اگر معنای زهد را طبق آن‌چه بیان شد، کسی بفهمد، دیگر ارزش و جایگاه زهد با در نظر گرفتن خود معنای زهد قابل فهم خواهد بود. اگر انسان نسبت به خواسته‌هایی که فایده عقلانی و حقیقی ندارند، نسبت به زر و زیورهایی که ارزش‌های حقیقی ندارند و نسبت به کلیه کارها و اشیا و چیزهایی که برای آن‌ها ارزش حقیقی ندارد، بی‌رغبتی و بی‌اعتنایی نشان دهند و سعی و تلاش خود را در امور با ارزش و ارزنده به کار گیرند، طبیعی است که زهد پیدا کرده است.

وی با تأکید بر این‌که اگر کسی بخواهد در کسب کمالات معنوی و اخلاقی و علمی موفق شود، اگر زهد نداشته باشد، مانع مهمی سر راهش قرار خواهد گرفت، اظهار کرد: اگر کسی به زر و زیور دنیوی و تشریفات بی‌ارزش دنیوی رغبت نشان دهد، قطعاً گرفتار خواهد شد. زیرا برای رسیدن به مسائل بی‌ارزش فرصت‌های فراوانی را از دست می‌دهد و فرصت‌های خود را برای رسیدن به کمالات معنوی و اجتماعی و حقیقی به دلیل گرفتاری به این شئون پوچ از دست خواهد داد و مانع بسیار مهمی در مسیر تکامل او ایجاد خواهد شد.

آیت الله سیدان با بیان این‌که تأکید فراوانی شده است تا انسان نسبت به امور پوچ و بی‌ارزش علاقه‌مند و پای‌بند نشود تا بتواند فرصت یافته و برای رسیدن به مسائل با ارزش همت به دست آورد، گفت: اگر انسانی زهد پیدا کند، کمال روحی نیز کسب خواهد کرد. زیرا از پوچی‌ها صرف نظر کرده و برای کسب کمالات آماده شده است.

وی تفکر را یکی از راه‌های رسیدن به زهد دانست و به شفقنا گفت: برای این‌که انسان به این مرحله برسد، باید در این خصوص تفکر کند تا در جهت پویا قرار گیرد و به کمال برسد. چنان‌که حضرت امیر مؤمنان (ع) خطاب به حضرات حسنین (ع) می‌فرمایند که: ما لعلی و لنعم یفنی و لذة لاتبقى، یعنی علی (ع) را با نعمت‌های پوچ و فانی سر و کار نیست و لذت‌هایی که باقی نمی‌ماند، دل‌دادنی نیست.

وی با بیان این‌که روایات و آیات فراوانی وجود دارد که از پوچی عالم و ضرورت عدم سرگرم شدن انسان به این پوچی‌ها صحبت می‌کند، تصریح کرد: از جمله این آیات، آیه 24 سوره شریفه یونس است که می‌فرماید: إِمَّا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنَّزَلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ ...، یعنی تمام عالم بی‌ثبات است و وقتی آدم به این عبارات برخورد می‌کند باید درس بگیرد و تکان بخورد.

سیدان در بیان خاطره‌ای از آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز خاطرنشان کرد: زمانی مرحوم آیت‌الله مجتبی قزوینی که از شخصیت‌های ارزنده و زاهد زمانه بودند و فوق‌العاده زندگی تأثیرگذاری داشتند، به مراسم عقدی دعوت می‌شوند. همراه با

ایشان آیت‌الله شیخ عبدالنبی کجوری که ایشان هم از شخصیت‌های علمی ارزنده بود، حضور داشت. آن‌ها به منزل مخروبه‌ای دعوت بودند که اتاق آن رنگی نداشت و حتی فرش موجود هم به پشت انداخته شده بود. چراکه صاحبش علاقه‌ای به تجملات زندگی نداشت. اما با خط خوشی روی کاغذی که به دیوار زده بود، نوشته بودند که: هذا لمن يموت، کثیرا! یعنی این زندگی را که می‌بینید نگویید چرا آن را بهتر نکرده است! زیرا این وضعیت برای کسی که می‌میرد، زیاد هم هست. البته معروف است که این جمله را سلمان گفته بود و او هم کسی بود که در زندگی درگیر تجملات نبود و روی حصیر زندگی می‌کرد.

وی با اشاره به اینکه آیت‌الله قزوینی خود زاهد بود، اما با دیدن این جمله به شدت به فکر فرو رفته بود، گفت: زهد ایشان در حدی بود که ما زمانی که محضر ایشان اشارات بوعلی سینا را می‌خواندیم و البته ایشان با مبانی عرفانی و فلسفه اضطرابی مخالف بودند؛ سقف خانه ایشان هم خراب شده بود و فقط چوب‌ها مشخص بودند و زیر آن‌ها را هم ستون زده بودند. دوستان به ایشان می‌گویند که اجازه دهید تا این‌جا را درست کنیم. اما ایشان گفته بود که اگر درست کنید؛ محکم‌تر می‌شود و یا قشنگ‌تر می‌شود؟ آنها هم گفته بودند که همین الان هم محکم است، پس قشنگ‌تر خواهد شد. ایشان هم در پاسخ گفته بودند که نیازی به این کار نیست و همین‌گونه خوب است.

این استاد برجسته حوزه با تأکید بر این‌که زندگی بسیاری از بزرگان تأثیرگذار است و می‌توان از آنها عبرت گرفت، اظهار کرد: تا زمانی که انسان زهد و بی‌رغبتی نسبت به شئون عالم پیدا نکند، طبق احادیث مزه‌ی واقعی ایمان را نمی‌چشد. زیرا مزه‌ی واقعی ایمان زمانی چشیده می‌شود که دل از همه این‌ها کنده شود. آن وقت است که دل متوجه ذات مقدس حضرت حق می‌شود و در مسیر دیگری قرار می‌گیرد. والا تا وقتی گرفتار زرق و برق دنیاست، سرگرم همین‌ها خواهد بود. البته ممکن است گه‌گاهی برای او حالات معنوی رخ دهد، اما استوار شدن آن حالت معنوی برای انسان زمانی است که به مرحله زهد نائل شود.

وی با اشاره به این‌که باید از هواها و هوس‌های نفسانی دل کند تا به کمال رسید، گفت: ممکن است به خاطر مصالحی لازم باشد تا زندگی توسعه بیابد و یا اسباب زندگی را در سطح مرفه تهیه کرد. اما اگر دل کنده شده باشد، زهد باز هم خود را نشان می‌دهد. زیرا آن‌چه مهم است، این است که دلبستگی به این‌ها وجود نداشته باشد. البته این حرف نباید بهانه باشد. انسان هم نمی‌تواند سر خود کلاه بگذارد. لذا سعی انسان باید بر این باشد که نسبت به شئون عالم بی‌رغبتی نشان دهد تا زمینه‌ای برای تکامل و در مسیر سعادت قرار گرفتن شود.

وی در ادامه گفت گو با شفقنا افزود: البته موانع و مسائل و اقسام و درجات و عوامل زهد فراوان است. تا آن‌جا که امیرالمؤمنین در اولین خطبه خود بعد از غصب خلافت در مسجد و در پاسخ به فردی گفتند که افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ صابر، راغب و زاهد. یعنی جمعی هستند که صابرند و در ارتباط با کارهای خلاف خویشتن‌دار هستند و خود را در مقابل هواهای نفسانی نگاه می‌دارند و صبور هستند. بعضی راغب هستند و به دنبال هواهای نفسانی می‌روند و اما بعضی دیگر زاهد هستند و خود را از همه‌ی هواهای نفسانی رها کرده‌اند. اینان کسانی هستند که زهد خود را تا جایی بالا می‌برند که اگر دنیا را به آن‌ها بدهید، به خاطر خود دنیا خشنود نمی‌شوند و اگر دنیا را هم بگیرید، ناراحت نمی‌شوند.

سیدان با تأکید بر این‌که زهد به هیچ عنوان مانعی در راه پیشرفت جامعه اسلامی نخواهد بود، تصریح کرد: اگر جامعه از هر آن‌چه پوچ است خود را بکند و در راستای آن‌چه ارزش دارد حرکت کند، پیشرفت خواهد کرد. به عنوان مثال: پیش‌روی علمی کاری ارزنده است و باید به دنبال تکامل‌های دنیوی و استفاده از قواعد طبیعت و برخورداری شدن از اسرار خلقت رفت تا هم معرفت به خدا بیش‌تر شود و هم استفاده صحیح از امکانات دنیوی افزایش یابد.

وی در پایان گفت و گو با شفقنا یادآور شد: علی (ع) در نهج‌البلاغه درخصوص زهد می‌فرمایند که: الرَّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ (لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ) وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الرَّهْدَ بِطَرَفَيْهِ؛ بر آن‌چه از دست می‌دهید دریغ نورزید و به آنچه که به دست می‌آورید شادمان نگردید. آری آن کس که بر گذشته افسوس نخورد و بر آینده دل نیست و از آن شادمان نگشت هر دو سوی پارسایی را پاس داشته است.